روزنامه شرق

یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۲ • ۱۶ شوال ۱۴۴۴ • ۷ مـی ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۴۷ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰۰ تومان

پس از ادعای برخی نهادهای داخلی مبنی بر کیفیت پایین سوخت تولید داخل، این بار صدای مشتریان خارجی درآمد

بنزین دردسرساز

مهفام سلیمان‌بیگی: کیفیت پایین بنزین ایران سال‌ها مورد مناقشه ارگان‌های داخلی بوده است. سازمان استاندارد و سازمان محیط زیست و برخی تشکل‌های بخش خصوصی بارها کیفیت پایین بنزین تولیدی را زیر سؤال برده‌اند...

صفحه ۴

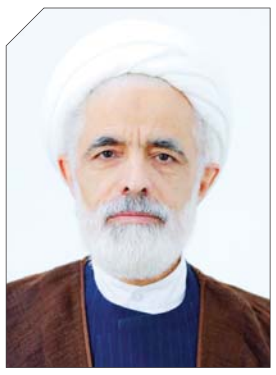

مجید انصاری:

درصدد راهکار برای جلب اعتماد نخبگان ایران در خارج باشیم

یک عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: امروز باید درصدد راهکارهایی برای جلب اعتماد و احترام به نخبگان ایران در خارج از کشور باشیم. مجید انصاری در حاشیه «برگزاری اجلاس ملی نخبگان، نظریه‌پردازی...

صفحه ۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: «شرق» سفر جیک سالیوان به عربستان سعودی را بررسی می‌کند، امید به آتش‌بس در مذاکرات «جده»، پاسخ شهرداری تهران به گزارش «شرق» و یادداشت‌هایی از ناصر ذاکری، رضا درستکار

سرمقاله

«چگونه می‌اندیشیم؟»

تئوری خرافات سیاسی(۳)

کیومرث اشتریان

هدف از این نوشتارها این است که نشان دهم خرافات سیاسی یک روش تحلیلی است. یک «مدل فکری» است که شما را به گونه‌ای خاص با جهان سیاست مواجه می‌کند. خرافات سیاسی تنها یک باور موهوم شخصی نیست؛ بلکه یک دستگاه فکری و یک روش تحلیلی است که می‌تواند شماری از مردم را اعم از باسواد و بی‌سواد، تحصیل‌کرده و عامی، جوان و پیر در بر گیرد. هدف دیگرم این است که نشان دهم این تئوری می‌تواند دستگاه سیاست‌گذاری ما را تحت تأثیر قرار دهد و به خسران و نابودی دولت و ملت منجر شود. در این راه لازم است تا مفروضات بنیانی و مؤلفه‌های اصلی چنین رویکردی را بازشناسی کنیم. تئوری‌ها گاهی در عمل وجود دارند، بدون اینکه خود به آن واقف باشیم. بدون آنکه آن را نوشته باشیم. مهم این است که یک دستگاه تحلیلی وجود دارد و به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه به آن عمل می‌شود. گفتیم که تئوری خرافات سیاسی مفروضات و عوامل و مؤلفه‌ها و تئوری‌پردازانی دارد. ترس و جهل و تنبلی فکری از عوامل مهم پیدایی خرافات سیاسی هستند. ویژگی‌ها، مفروضات و مؤلفه‌های دیگر از این قرار هستند.

۱- تخیل ایدئولوژیک

تخیل ایدئولوژیک یکی دیگر از ویژگی‌های این دستگاه تحلیلی است. همه چیز ابتدا به یک دستگاه ایدئولوژیک برده می‌شود و خوبی و بدی آن تعیین تکلیف می‌شود. سپس یک نظرگاه متناسب با آن بافته شده و شناخت سیاسی بر همین اساس شکل می‌گیرد. البته همان ایدئولوژی را هم به شکل ناقصی به ارزش‌ها متصل کرده و درک عالمانه‌ای هم از آن ندارند؛ یعنی همان ایدئولوژی هم بافته خیال شماست. وقتی درک چیزی برای ما دشوار باشد، به‌ناچار از قوه تخیل استفاده می‌کنیم. در نظر آورید یک متن زبان خارجی را. وقتی تسلطی به آن زبان نداشته باشیم، از میان برخی از واژگان آن متن یک ترجمه تخیلی از آن به دست می‌دهیم. بارِ تخیل ما بیش از بار محتوایی آن متن خارجی است. آن‌گاه که شما از آگاهی‌های لازم روابط بین‌الملل برخوردار نباشید، به‌ناچار آن را به درون جهان‌بینی از پیش تعیین‌شده خود می‌برید و براساس همان جهان‌بینی روابط بین‌الملل را برای خود و دیگران روایت می‌کنید. مثلا برخی دیگر توجهی به بیش از ۳۰ قرارداد در زمینه انرژی سبز، لجستیک، مسکن و پردازش ابری بین چین و عربستان ندارند که معادلات تجاری منطقه‌ای را برای مدت‌زمانی طولانی تحت تأثیر قرار داده و در نتیجه روابط منطقه‌ای را تغییر می‌دهد و تحول پارادایمی منطقه‌ای را اساسا درک نمی‌کنند. در چنین حالتی است که آن را به تخیل ایدئولوژیک می‌سپارند و مثلا آن را ناشی از قدرت داخلی! عجز عربستان یا دوستی چین با ما تلقی می‌کنند. این همان دستگاه فکری خرافاتی است. چرا خرافات؟ چون موهوم و از سر تخیل ایدئولوژیک است که برای ارضای روان خود ساخته و پرداخته‌اند. اینها ماهیت تجاری روابط بین‌الملل را نمی‌شناسند و به این بسنده می‌کنند که اختلافات را با رویکردی «ذات‌گرایانه» به ذات اهریمنی رقبای خود تأویل کنند. اغلب تأویل‌ها و تحلیل‌های «ذات‌گرایانه» موهوم‌اند؛ بنابراین خرافی‌اند. این تحلیل‌های ذات‌گرایانه، عقیدتی هم نیستند که اگر بودند، چین و روسیه در صدر اهریمنان می‌بودند. مهم است که بدانیم خرافات سیاسی اساسا عقیدتی نیست؛ بلکه یک فلسفه خیالی و ذهنیت شبه‌ماورایی است که یک مدل سلسله‌مراتب شناختی را پدید می‌آورد تا به نوبه خود بنیانی برای یک سلسله مراتب قدرت فراهم کند. «تئوری خرافات سیاسی» یک سلسله‌مراتب فرمان‌برداری فکری ایجاد می‌کند و خود را بر دستگاه سیاست‌گذاری تحمیل می‌کند؛ ازاین‌رو با «تئوری توطئه» متفاوت است.

۲- گسست

تاریخ بشری به هم پیوسته است. به‌ویژه تاریخ علم از جریانی نظام‌مند برخوردار است. در دنیای علم شما با درگیرشدن در آرا و اندیشه‌ها و در تعامل با صاحبان افکار راه خود را می‌گشایید. گاه رد می‌کنید و گاه قبول. مهم این است که وارد بازی گفت‌وگوی علمی می‌شوید. تئوری خرافات خود را از این جریان فکری جهانی کنار می‌کشد و مستقلا راهی را در بیابان در پیش می‌گیرد تا از مقایسه و مواجهه بگریزد. در مَثَل شما می‌توانید برای خود تیم فوتبالی تشکیل دهید و در محله خود بازی کنید؛ اما اگر بخواهید وارد رقابت شوید، طبعا باید سازوکارهای نظام مسابقات فوتبال را بپذیرید؛ یعنی به‌تدریج در دسته سوم، دسته دوم و دسته اول خود را بیازمایید. در جهان فوتبال هم چنین است که شما ناچار از بازی‌های منطقه‌ای، مقدماتی و جهانی هستید تا ادعای برتری شما آزموده شود. در جهان علم هم بدین‌گونه است. شما به جریان جهانی تولید علم پیوسته هستید. در سازمان جهانی تولید دانش شرکت می‌کنید. می‌توانید آن را طبق قواعدی رد یا تأیید کنید؛ اما صاحبان خرافات سیاسی، به کلی از جهان اطراف خود گسسته‌اند، گویی فقط در محلات خود بازی می‌کنند. در کوچه خلوت دلیری می‌کنند، هل مِن مبارز می‌طلبند و اهالی کوچه را به خود سرگرم می‌کنند. اغلب شِفاهی‌اند. و اندیشه خود را به رقابت رودررو با سازمان علم بشری روانه نمی‌کنند.

ادامه در صفحه ۵

رئیس جمهور سابق دوباره وضعیت برجام در دو سال قبل را تشریح کرد؛ آیا اصولگرایان توانستند بدون برجام اقتصاد ایران را متحول کنند؟

روحانی: تمام شده بود

گزارش تیتر یک را در صفحه ۲ بخوانید

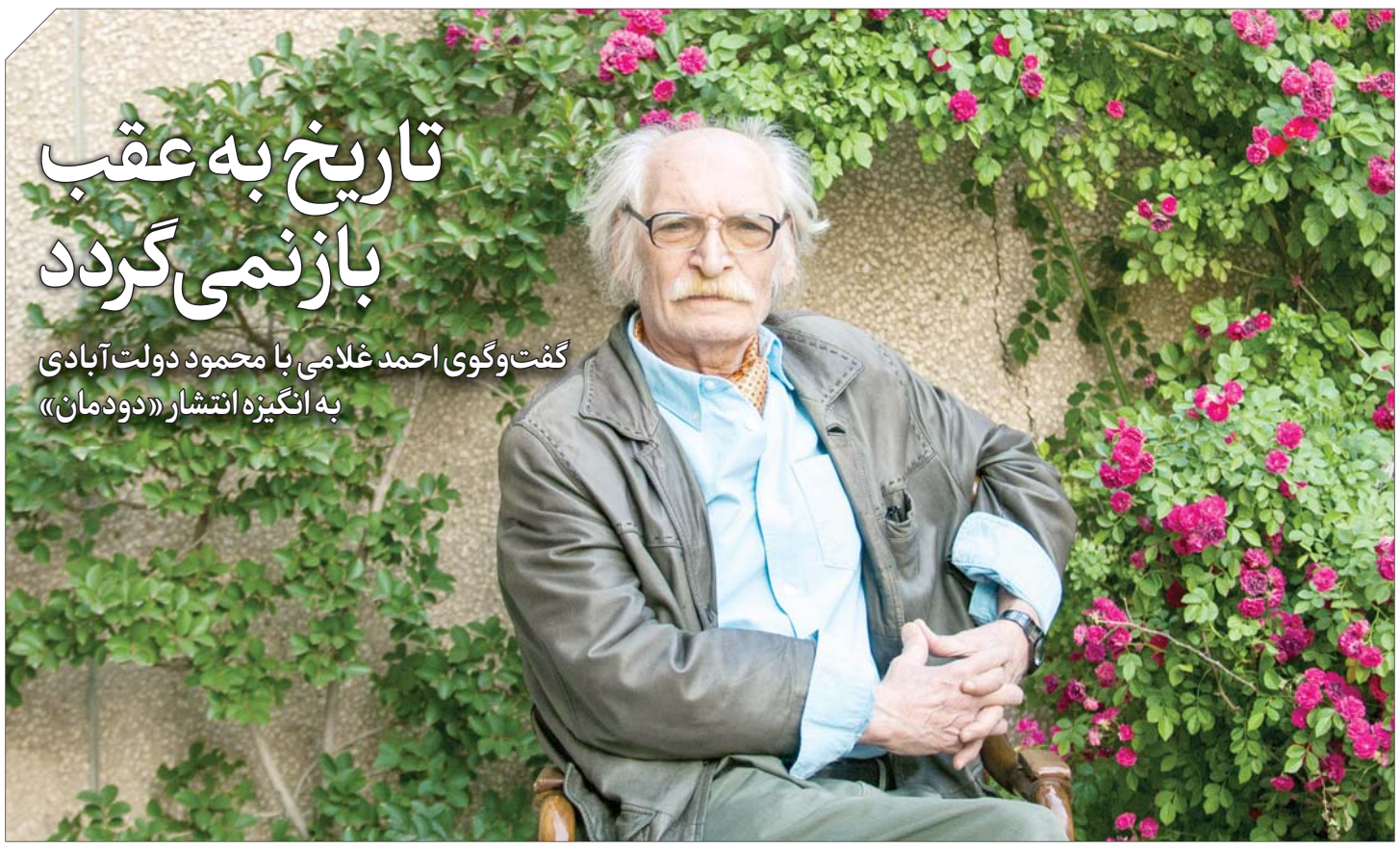

تاریخ به عقب بازنمی‌گردد

گفت‌وگوی احمد غلامی با محمود دولت‌آبادی به انگیزه انتشار «دودمان»

عکس: عباس کوثری، شرق

«دودمان» تازه‌ترین کتاب محمود دولت‌آبادی است که به‌تازگی منتشر شده است. نویسنده‌ای خستگی‌ناپذیر که همچنان در پی راه‌های تازه است، برای بیان اندیشه‌ها و تجربه‌هایی که از سر گذرانده است. دولت‌آبادی گاه به دلیل موضع‌گیری‌های متعادل سیاسی‌اش از سوی «رفقا»ی سابق و جریان‌های سیاسی رادیکال مورد انتقاد قرار گرفته است؛ چراکه انتظار از او به‌عنوان یکی از نویسندگان مطرح نسل دوم داستان‌نویسی که تجربه کارهای سیاسی و فعالیت‌های اجتماعی را در کارنامه خود دارند، بسیار زیاد است. مهم‌تر از همه اینکه او در سخت‌ترین شرایط قبل و بعد انقلاب دست از کار نکشیده است.

آخرین رمان دولت‌آبادی رمان متفاوتی است که از برهم‌تنیدگی موقعیت‌های سیاسی و اقتصادی و تغییرات اجتماعی سامان یافته است؛ اما وجه غالب آن اجتماع در حال آشوب است. اگر پیش‌ازاین شخصیت‌ها در رمان‌های دولت‌آبادی در پی آشوبناک‌کردن موقعیت‌های اجتماعی و سیاسی بودند و فاعلیت داشتند، این بار آنان درصدند تا در این شرایط آشوبناک گلیم خود را از آب بیرون بکشند. این رویکرد باعث شده او قهرمانان داستانش را از میان نسل نو (جوان‌ترها) برگزیند، آدم‌هایی مثل ارسلان و خواهرش شوقی دیگر فاعل تغییرات اجتماعی نیستند و آرمانی نیز در سر ندارند. برای آنان فقط خلاص‌شدن از وضعیت موجود معنا دارد. شرایط هم به‌گونه‌ای است که ارسلان می‌پندارد باید از آب گل‌آلود ماهی بگیرد. ارسلان و شوقی با اینکه یک هدف - فرار از خانه عقرب- را در سر دارند؛ اما دو راه کاملا متفاوت را بنا بر توانایی‌های خود برمی‌گزینند. شاید در میان شخصیت‌های داستان، بقراطی که او نیز از هم‌نسلان ارسلان و شوقی است، شخصیتی باشد که دولت‌آبادی می‌خواهد دیدگاه خود را درباره روشنفکران از طریق او بیان کند. «دودمان» رمانی اجتماعی است که با زبان صیقل‌خورده و پرورده دولت‌آبادی روایت شده است. «دودمان» در کارنامه دولت‌آبادی اثری متفاوت است و این تفاوت مایه خرسندی است؛ چراکه نشان می‌دهد نویسنده «دودمان» به تغییر باوری راسخ دارد و در پرهیز از کلیشه‌ها مصمم است.

این گفت‌وگو را در صفحه ۱۱ بخوانید

یادداشت

کارت بانکی و مشکل خرید نان برای مهاجران افغانستانی

احسان هوشمند

اگرچه آمار دقیقی از میزان و تعداد مهاجران افغانستانی در دسترس نیست، اما برخی برآوردها نشانگر حضور بیش از پنج میلیون نفر از شهروندان مهاجر افغانستانی در ایران است. بخشی از این مهاجران از دهه‌های پیش به همراه خانواده‌های خود در ایران مستقر شده‌اند و گروه درخور توجهی نیز به صورت موقت و در دوره‌های چندماهه یا چندساله میان ایران و افغانستان در حال رفت‌وآمد هستند. بسیاری از مهاجران افغانستانی در دهه اخیر موفق به ثبت‌نام فرزندان‌شان در مدارس دولتی شده‌اند؛ به شکلی که امروزه حدود ۶۰۰ هزار نفر از دانش‌آموزان افغانستانی در دوره‌های مختلف آموزش عمومی در ایران تحصیل می‌کنند. صدها هزار نفر از نیروی کار افغانستانی نیز در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور و در بسیاری از استان‌ها و شهرستان‌های کشور به‌ویژه بخش‌های شمال شرقی، شرق، جنوب و مرکز کشور اشتغال دارند.

۱- پیوندهای عمیق تاریخی، زبانی و فرهنگی میان ایران و افغانستان موجب شده تا بسیاری از شهروندان مهاجر افغانستانی ایران را برای زندگی در مهاجرت انتخاب کنند. ایران نیز برای عبور و مرور این شهروندان در مرزهای طولانی دو کشور مقررات سخت‌گیرانه و موانعی جدی ایجاد یا مستقر نکرده است. به سخن دیگر، برخلاف سیاست مهاجرتی در بسیاری از کشورهای جهان که مثلا سرمایه نقدی درخور توجه یا سواد و تخصص یا شاخص‌های فرهنگی، مذهبی و سیاسی و دیگر شاخص‌ها را ملاک انتخاب و گزینش مهاجر به درون کشورشان تعریف کرده‌اند، در ایران هیچ سیاست روشن مهاجرتی وجود ندارد و هر شهروند افغانستانی با هر سرمایه‌ای یا بدون هیچ سرمایه‌ای، با هر میزان از سواد یا بی‌سوادی مطلق، در هر گروه سنی و در هر زمانی که اراده کند می‌تواند از طریق مجاری رسمی یا غیررسمی به ایران مهاجرت کند. یعنی دولت ایران به دلایل مختلف خود را از سیاست گزینش مهاجر محروم کرده و سهل‌انگارانه با مهاجران افغانستانی برخورد می‌کند.

۲- اگر سیاست کشور مبتنی بر سهل‌انگاری در ورود مهاجران خارجی به‌ویژه مهاجران افغانستانی است، عقل و منطق حکمرانی ایجاب می‌کند که برای زندگی روزمره و فعالیت‌های عادی این مهاجران نیز ظرفیت‌های لازم تعریف و تدارکات لازم از قبل اندیشیده شود؛ مانند ادامه تحصیل، مناسبات پولی یا روابط کاری. در برخی موارد خدمات قابل قبولی در کشور ارائه می‌شود؛ مانند ثبت‌نام در مدارس دولتی و تحصیل رایگان. بااین‌حال، در برخی موارد شوربختانه نتیجه مثبت سیاست قبلی تحت تأثیر بی‌توجهی قرار می‌گیرد. مثلا اگر یک دیپلم افغانستانی که تمام دوره تحصیل خود را در ایران گذرانده است، بخواهد از طریق کنکور سراسری وارد دانشگاه شود، در صورت قبولی باید به افغانستان بازگردد و با پاسپورت آن کشور در دانشگاه ایران ثبت‌نام کند، حتی اگر رتبه تک‌رقمی کنکور را هم کسب کرده باشد! همین سیاست موجب شده تا بسیاری از شهروندان مهاجر افغانستانی عطای ادامه تحصیل در ایران را به لقایش ببخشند! این تعارض و تعارض‌های مشابه در سیاست‌های جاری و مقررات فعلی، اثر منفی عمیقی در افکار عمومی مهاجران به‌ویژه مهاجران داوطلب تحصیل در ایران ایجاد کرده است. با باوجود محدودیت‌های قانونی، بسیاری از مؤسسات حقیقی و حقوقی مانند شهرداری‌ها، برای کارهای خدماتی از مهاجران افغانستانی استفاده می‌کنند، اما در بخش حقوق انسانی منطبق با قانون کار در کشور، توجهی جدی به حقوق این دسته از مهاجران نمی‌شود.

۳- با وجود انجام سرشماری و آمایش مهاجران افغانستانی در کشور و حضور صدها هزار نفر از مهاجران برای تکمیل مشخصات فردی خود، متأسفانه در ماه‌های گذشته مهاجران افغانستانی با مشکلات دیگری دست‌به‌گریبان شده‌اند. ازجمله موارد به نظر ساده اما پردردسر و ناامیدکننده می‌توان به خرید نان با کارت بانکی یا استفاده از مترو با کارت بانکی اشاره کرد. این در حالی است که مدتی است صدور کارت بانکی برای مهاجران افغانستانی متوقف شده و باوجود امید ایجادشده در میان مهاجران محترم افغانستانی، هیچ تسهیلاتی برای دریافت کارت بانکی برای کسانی که در طرح آمایش شرکت کرده‌اند و دیگر مهاجران افغانستانی تا امروز تعریف نشده است. از آنجایی که در چند ماه گذشته هم نانوایی‌های کشور موظف به فروش نان به وسیله کارت بانکی برای همه خریداران ازجمله شهروندان افغانستانی شده‌اند، بسیاری از این گروه قادر به تهیه کارت بانکی نیستند و در نتیجه برای خرید یکی از ضرورتی‌ترین اقلام زندگی روزمره یعنی نان که قوت اصلی روزمره است، با مشکل، سختی و دشواری دست‌به‌گریبان شده‌اند. استفاده از برخی خدمات عمومی دیگر با همین محدودیت روبه‌رو است.

۴- مشخص نیست چرا مسئولان ذی‌ربط در وزارت خارجه و وزارت کشور دراین‌باره اقدام فوری مشهودی در پیش نگرفته‌اند. اگر مسئولان ذی‌ربط از حضور این تعداد روزافزون مهاجران در کشور ناراضی هستند، سیاست مهاجرتی کشور را تعریف کرده و راه تردد بیشتر مهاجران مسدود شود و اگر چنین سیاستی در دستور کار نیست، این همه محدودیت برای زندگی روزمره این مهاجران که به صورت عمومی جزء اقشار کم‌درآمد و محروم هستند، چه معنایی دارد؟ امید است هرچه زودتر برای رفع محدودیت‌ها و مشکلات بانکی مهاجران افغانستانی تدابیری اندیشیده شود. این موضوع ابعاد و پیامدهای حقوقی و آسیب‌شناسانه مهم دیگری ازجمله شفاف‌شدن روابط کاری و مالی با مهاجران افغانستانی دارد که در این یادداشت به آن پرداخته نشد. ضروری است کارت بانکی تحت مقررات دقیق و خاصی حتی برای دیگر مهاجران افغانستانی که کارت آمایش دریافت نکرده‌اند، صادر شود که از ابعاد مختلفی رفع مشکل مهاجران و تقویت توان ملی در مدیریت این مهاجران را در پی دارد.

گفت‌وگو با زهرا مینویی و صدرا خالقی وکلای ترانه علیدوستی و بابک کریمی

علیه جریان آزار در سینما

۸

بگومگوها درباره شاسی بلندها بعد از مجلس دامن دولتی‌ها و برخی از بخش‌های جنبی قوه قضائیه را گرفته است

همه شاسی سوارند؟

۲

میزگردی درباره شرایط امروز تأثیرگذاری

رادیکالیسم به ضرر کلیت رسانه و جامعه است

۱۲

مروری بر شیوع ویروس کرونا در ایران و جهان

پایان خطر پاندمی

۱۰

سیدحسین؛ متهم شماره یک

کاپیتان مورد خشم استقلالی‌ها قرار گرفت

۹

یادداشت

حجاب و بایسته‌های حقوق کیفری

حسن سلیمی

سردفتر اسناد رسمی

پس از وفات مرحومه مهسا امینی و تنش‌های متعاقب آن به نظر می‌رسد مسئله حجاب جامعه را دوقطبی کرده و همه‌روزه شاهد جبهه‌گیری موافقان و مخالفان حجاب در جامعه هستیم. این جهت‌گیری‌ها که اکنون به برخوردهای کلامی و فیزیکی گاه و بی‌گاه نیز منجر می‌شود، می‌رود که به بحرانی فراگیر تبدیل شود. این وقایع نگارنده را به‌عنوان یک مشاهده‌گر بر آن داشت که موضوع را از جنبه کیفری آن واکاوی کند. در حقیقت مرادم از نوشتار حاضر این است که اگر توفیق نصیب شود و بخت مدد کند، رفتار دولتمردان را در ترازوی قواعد حاکم بر حقوق کیفری نهاده و چنانچه موزون از میزان خارج شده باشد، به‌عنوان وظیفه‌ای ملی دِین خود را به مردم و میهن از این طریق ادا کرده باشم و امیدوارم این وجیزه قادر باشد مقداری هرچند جزئی از مناقشات کنونی بکاهد. در فقره حجاب مشاهده می‌شود که علاوه بر مقامات مسئول عده‌ای از هم‌وطنان با انگیزه‌های مختلف تشخیص داده‌اند که رأسا به میدان پیکار با بدحجابان درآیند؛ اما به نظر نگارنده جابه‌جایی نیروهای مسئول با افراد غیرمسئول به طور قطع موجب صدمه‌دیدن ساختارهای حقوقی، اصولی و فقهی حاکم بر قوانین کیفری خواهد شد. به طور نمونه می‌دانیم که در قرآن کریم بندگان از تجسس در امورات یکدیگر منع شده‌اند (حجرات، آیه ۴۹). التزام عملی به این حکم قرآن موجب استحکام اعتماد، صلح اجتماعی، آرامش و آسایش شهروندان از یک سو و حکمرانی کم‌هزینه از سویی دیگر خواهد شد؛ اما برخی مقامات صریحا اعلام می‌کنند که از طرق مختلف ازجمله با استفاده از تجهیزات دوربین‌های مداربسته شهری قادر به شناسایی چهره بی‌حجابان و ردگیری آنها هستند؛ درحالی‌که در هیچ مقرره قانونی چنین وظیفه‌ای به ضابطان سپرده نشده است. برخی دیگر از مردم می‌خواهند که بی‌حجابان را به مأموران معرفی کنند. از طرفی رفتار برخی از نیروهایی که در این موضوع به‌عنوان ضابط در میدان عمل می‌کنند، به نظر می‌رسد در حال خروج از چارچوب‌های قانونی است.

ادامه در صفحه ۵

سپاس

شایسته می‌دانیم از الطاف بی‌کران و ابراز محبت و همدردی سروران ارجمند و دوستان عزیز و همکاران گران‌قدر که ما را در سوگ و اندوه و حرمان رحلت برادر عزیزمان تسلای خاطر بخشیدند سپاسگزاری نماییم ، سرافرازی و نیک‌فرجامی همه را ازخدای بزرگ آرزو داریم.

خانواده سازگارنژاد